

# Predictive Model of Child's Social Emotional Competency based on Mothers' Meta -Emotional Factors with Mediating Role of Child's Attachment Security

## ARTICLE INFO

**Article Type**  
*Analytical Original*

### Authors

Masoumeh Sefidgari Goli<sup>1</sup>,  
Hooman Namvar<sup>\*2</sup>,  
Farhad Jomehri<sup>3</sup>

Masoumeh Sefidgari Goli, Hooman Namvar, Farhad Jomehri, Predictive Model of Child's Social Emotional Competency based on Mothers' Meta -Emotional Factors with Mediating Role of Child's Attachment Security. *Islamic Life Style*. 2021; 117-127

1. Department of Psychology, college of human science, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran

2. Department of Psychology, college of human science, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran (Corresponding Author).

3. Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: hnamvar@iau-saveh.ac.ir

### Article History

Received: 2020/12/25

Accepted: 2021/02/25

## ABSTRACT

**Purpose:** The present study predicts the child's emotional social competence based on mothers' negative meta-emotional factors with the mediating role of child's attachment security.

**Methods and Materials:** The type of research is correlation-theoretical with predictive method and in terms of method, it is descriptive-survey. The statistical population of the present study included female students (elementary school) in addition to their parents in primary schools in Tehran. Using Formula 1 to 20 Klein (2016) have been selected. The research instruments included Zhou & Ee (2012) questionnaires for emotional social competence, Mitmansgruber et al. (2009) for meta-emotional factors and finally Kerns et al. (1996) questionnaire for attachment security. Data analysis was performed using SPSS and Amos software.

**Findings:** The results showed that anger affects attachment security. Anger affects emotional social competence and attachment security. Shame affects emotional social competence and attachment security. Violence control does not affect attachment security. Controlling violence affects emotional social competence. Suppression does not affect social emotional social competence Attachment security affects emotional social competence. The components of anger, shame, and depression indirectly affect the variable of emotional social competence. Violence control does not indirectly have a significant effect on the emotional social competence variable.

**Conclusion:** The mothers' negative meta-emotional factors have been effective on the child's emotional social competence through the attachment security of the child and the strongest effect has been related to the relationship between attachment security and child's emotional social competence.

**Keywords:** child's emotional social competence, maternal meta-emotion structure, child's attachment security

## مدل پیش‌بینی توانمندی هیجانی اجتماعی کودک بر اساس فاکتورهای فراهیجان منفی مادران با نقش میانجی امنیت دلبستگی کودک

و شدیدترین تأثیرگذاری مربوط به رابطه امنیت دلبستگی بر توانمندی هیجانی اجتماعی بوده است.  
کلیدواژه: توانمندی هیجانی اجتماعی کودک، ساختار فراهیجان مادران، امنیت دلبستگی کودک.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۷

\*نویسنده مسئول: hnamvar@iau-saveh.ac.ir

### مقدمه

کودکانی که آینده‌ساز اجتماع خویش هستند زمانی فرد مفیدی برای جامعه خواهند بود که در محیط خانوادگی سالم و امنی تربیت شده باشند. توانمندی هیجانی نقش مهمی در تعاملات اجتماعی و کارکردهایی در حوزه‌های مختل کودکان دارد و نقص در داشتن مهارت توانمندی هیجانی می‌تواند موجب بروز آسیب‌های روانی، ضعف در چگونگی تعامل با دیگران و آسیب به حوزه‌های تحصیلی و شغلی کودکان در آینده شود (۱). کودکانی که مهارت‌های اجتماعی ضعیفی دارند، مخصوصاً آنهایی که عصبانی و پرخاشگر هستند، در تجسم کردن افکار و احساسات دیگران مشکل زیادی دارند. آنها اغلب بدون احساس گناه و ندامت که توسط آگاهی از دیدگاه دیگران ایجاد می‌شوند، با بزرگسالان و همسالان بدرفاری می‌کنند. اگر به این کودکان آموخته شود که به نظر دیگران احترام بگذارند و آنها را درک کنند، رفتار ضداجتماعی کاهش یافته و پاسخدهی همدل و نودوستانه افزایش می‌یابد (۲).

در مدل توانمندی اجتماعی مؤثر، ارسال مؤثر پیام، دریافت مؤثر پیام و تجربه کردن را سه عنصر مهم توانمندی اجتماعی مؤثر معرفی کرده‌اند. وبستر - استراتون و رید (۳) در مطالعه خود به بررسی تقویت توانمندی هیجانی اجتماعی کودکان و آمادگی و موفقیت تحصیلی آنها پرداختند، یافته‌های آنها نشان داد تقویت توانمندی هیجانی - اجتماعی از طریق مهارت‌های حل مسئله اجتماعی که شامل مهارت‌های مانند ادبیات هیجانی، همدلی و پذیرش دیدگاه دیگری، مهارت‌های ارتباطی و دوستی، مدیریت خشم، حل مسئله بین‌فردی بود موجب بهبود مشکلات رفتاری کودکان و عملکرد کلاسی دانش‌آموزان شده است (۱).

همچنین متغیر امنیت دلبستگی که در نقش متغیر میانجی در این پژوهش حضور دارد، بر اساس نظریه دلبستگی است. نظریه دلبستگی را برای اولین بار بالبی (۴) مطرح ساخت. شکل‌گیری دلبستگی ریشه در پیوند هیجانی اولیه کودک به مادر دارد. بررسی تأثیر دلبستگی، فراهیجانی والدین و کنترل هیجانات در خانواده‌هایی دارای فرزندخوانده که توسط کاتز و همکاران (۵) انجام شد، نشان داد فرزندخوانده‌ها، به دلیل وجود تعدادی از عوامل محیطی نامطلوب احتمال بیشتری برای مواجهه با مشکلات اجتماعی، احساسی، آگاهی و دلبستگی دارند. فرزندان پذیرفته‌شده، چه بومی و چه بین‌المللی در معرض خطر مواجهه با مشکلات اجتماعی هیجانی هستند که می‌تواند توانایی کودک را در کنترل مؤثر هیجانات و ارتباط با دیگران تحت الشعاع قرار دهد. والدینی که توانایی مدیریت هیجانات

معصومه سفیدگری گلی،

گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

هومن نامور<sup>۲\*</sup>

گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (نویسنده مسئول).

فرهاد جمهری<sup>۳</sup>

گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر به پیش‌بینی توانمندی هیجانی اجتماعی کودک بر اساس فاکتورهای فراهیجان منفی مادران با نقش میانجی امنیت دلبستگی کودک پرداخته است.

**مواد و روش‌ها:** نوع تحقیق همبستگی - نظری با روش پیش‌بینی بوده و از بعد روش، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری مطالعه حاضر شامل دانش‌آموزان دختر (دوره دبستان) به علاوه والدین آنها در مدارس ابتدایی شهر تهران بوده‌اند که تعداد ۲۵۰ نفر به طور نمونه‌گیری هدفمند و شیوه مشارکت به صورت داوطلبانه که از انواع روش‌های غیرتصادفی است گروه نمونه مورد مطالعه انتخاب گردید و با استفاده از فرمول ۱ به ۲۰ کلاین (۲۰۱۶) انتخاب شده‌اند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های زو و جی (۲۰۱۲) برای توانمندی‌های هیجانی اجتماعی، پرسشنامه میتمسنگ‌روبر و همکاران (۲۰۰۹) برای متغیر فراهیجان و در نهایت پرسشنامه کرنز و همکاران (۱۹۹۶) برای امنیت دلبستگی بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و اموس انجام شده است.

**یافته‌ها:** بررسی نتایج نشان داد که خشم بر امنیت دلبستگی تأثیرگذار است. خشم بر توانمندی هیجانی اجتماعی و امنیت دلبستگی تأثیرگذار می‌باشد. شرم بر توانمندی هیجانی اجتماعی و امنیت دلبستگی تأثیرگذار است. کنترل خشم بر امنیت دلبستگی تأثیرگذار نمی‌باشد. کنترل خشم بر توانمندی هیجانی اجتماعی تأثیرگذار است. فرونشانی بر امنیت دلبستگی تأثیرگذار است. فرونشانی بر توانمندی هیجانی اجتماعی تأثیرگذار نمی‌باشد. امنیت دلبستگی بر توانمندی هیجانی اجتماعی تأثیرگذار است. مولفه‌های خشم، شرم و فرونشانی به صورت غیرمستقیم دارای تأثیرگذاری بر متغیر توانمندی هیجانی اجتماعی می‌باشد. کنترل خشم به صورت غیرمستقیم دارای تأثیرگذاری بر معناداری بر متغیر توانمندی هیجانی اجتماعی نمی‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** فاکتورهای منفی فراهیجان مادران از طریق امنیت دلبستگی کودک بر توانمندی هیجانی اجتماعی کودک مؤثر بوده‌اند

رابطه دارد و طبق گزارش معلمان به شکل مثبت با ابتکار عمل اجتماعی رابطه دارد. پژوهش میلر-اسلا، دانسمور، زمان، سندرز و پون (۱۳) نشان داد، خانواده‌های پشتیبان دارای فرزندان بودند که از توانمندی اجتماعی بالاتری برخوردار بوده و نشانه‌های درونی‌سازی بیشتری دارند، درحالی که خانواده‌های پدرسالار فرزندان دارای توانمندی اجتماعی پایین‌تر و نشانه‌های درونی‌سازی کمتری داشتند. خانواده‌های پشتیبان دارای فرزندان بودند که دارای توانمندی اجتماعی متوسط و علائم درونی‌سازی کمتری بودند. موری، گنتز (۱۴) نشان دادند که فلسفه فراهیجان، پاسخ والدین را نسبت به احساسات منفی فرزندان پیش‌بینی می‌کند، به این صورت که مربیگری احساسات بیشتر، دقت بیشتری را در برجسب زدن احساسات در پسران پیش‌بینی می‌کند، احتمال تعامل بیشتر با فرزندان را افزایش می‌دهد و برای مادران نیز از هردو جهت در بازتاب احساسات از حد متوسط بیشتر است. دل‌بستگی همچنین پاسخ والدین را نسبت به احساسات منفی فرزندان پیش‌بینی می‌کند: والدین دارای اضطراب بالاتر بیشتر بازتاب احساسات نشان می‌دهند، و افراد با اجتناب بالاتر به میزان کمتری بازتاب احساسات نشان می‌دهند و تمایل کمتری برای تعامل گزارش کردند. نتایج شواهد جدیدی را ارائه می‌دهد که تفاوت‌های فردی در دل‌بستگی و فلسفه فراهیجانی والدین، رتبه آنها در تکالیف ادراک هیجان و همچنین پاسخ‌های پیش‌بینی‌شده آنها نسبت به تظاهر هیجان‌ها کودکان را پیش‌بینی می‌کند.

نتایج پژوهش الیس و همکاران (۱۵) نشان داد که پرخطر بودن خانواده هم تنظیم هیجانی کودکان و هم عقاید فراهیجانی مادران را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد. همچنین فراهیجان مادران قادر است تا به صورت متغیر میانجی، بر رابطه پرخطر بودن خانواده و تنظیم هیجانی کودکان به‌ویژه بی‌ثباتی هیجانی اثر بگذارد. چن، لین و لی (۱۶) در پژوهشی نشان دادند ابعاد فراهیجان مادرانه (هدایتگری هیجانی و پذیرش هیجانی) با ایمنی دل‌بستگی در کودکان ارتباط معنی‌داری دارد، مادرانی که عقاید هدایتگری هیجانی داشتند، به احتمال بیشتری رابطه والد-کودک ایمن را به‌دست می‌آوردند و این یافته در پاسخ‌های کودکان نیز مشاهده شد. اما هیجان‌پذیری کودکان اثر مستقیم و غیرمستقیم معنی‌داری بر روی ایمنی دل‌بستگی نداشته است.

در تبیین ضرورت و اهمیت پژوهش مدل حاضر باتوجه به مفاهیم و پیشینه نظری موجود، می‌توان چنین بیان کرد که؛ متغیر توانمندی هیجانی-اجتماعی به دلیل گستردگی و وسعت در قالب متغیر ملاک پژوهش قرار گرفت و باتوجه به نقش کلیدی والدین - به‌ویژه مادران- و نقش فراهیجان به عنوان سازمان‌دهنده مجموعه‌ای از افکار و احساسات والدین درباره هیجان‌های خود و فرزندان‌شان این دو متغیر، متغیرهای پیش‌بین مدل قرار گرفتند. درباره متغیر میانجی که به طور معمول تأثیر غیرمستقیمی بر متغیر ملاک دارد امنیت دل‌بستگی موردنظر قرار گرفت. چرا که شکل‌گیری امنیت دل‌بستگی کودک ریشه در پیوند هیجانی اولیه کودک به مادر دارد. بنابراین توجه ویژه به توانمندی هیجانی اجتماعی کودکان و ساختار فراهیجان مادران از این روست که رویکرد به نقش کلیدی آنان

خود را دارند، قادر خواهند بود هیجان‌ها فرزندان‌شان را پذیرفته و تایید کنند و ابراز احساسات هیجانی آنها را به عنوان فرصتی برای ارتباط بهتر با آنها و آموزش مدیریت احساسات دشوار و چالش‌برانگیز به آنها می‌دانند. محققان ثابت کرده‌اند که کودکانی که والدین‌شان دارای توانایی مدیریت هیجان‌ها باشند به نسبت هم‌عوان‌شان که والدینی با ضعف مدیریت هیجانی هستند، دارای درجات بیشتری از کنترل هیجان‌ها هستند. تئوری دل‌بستگی بر اهمیت تطابق و توافق هیجانی میان مادر و کودک هنگام ایجاد دل‌بستگی امن تاکید می‌کند: توانایی ایجاد ارتباط اولیه به دیگران طبق نظریه دل‌بستگی هیچ شخصی بدون وجود دل‌بستگی ایمن، توانایی همدردی با دیگران را نخواهد داشت. مهمترین تأثیر مدیریت هیجان‌ها نیازمند ایجاد سطوح بالایی از توافق هیجانی میان مادر و کودک است (۵).

مطالعات مختلف به‌رادر (۶) تأثیر برنامه PATHS را بر ارتقای توانمندی اجتماعی و هیجانی کودکان نشان داده‌اند و از آن جمله اینکه کودکانی که برنامه بر روی آنها اجرا شده بود در مقایسه با گروه کنترل درک هیجانی، حل مسئله اجتماعی، رفتار اجتماعی، و مشارکت در یادگیری بهتری داشته‌اند. نتایج پژوهش احمدپورترکی، حکیم‌جوادی و سلطانی‌شال (۷) نشان دادند که آموزش توانمندی هیجانی اجتماعی در کاهش پرخاشگری مؤثر است. آموزش توانمندی هیجانی اجتماعی بر افزایش خوش‌بینی مؤثر است. همچنین نتایج نشان داد که آموزش توانمندی هیجانی اجتماعی باعث افزایش حل مسئله اجتماعی در نوجوانان می‌شود. مطالعه قربانیان، محمدلو، حبیبی عسگرآباد و حسن‌آبادی (۸) نشان داد سبک دل‌بستگی با مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای همبستگی است. آنها نتیجه گرفتند سبک دل‌بستگی بر مهارت‌های اجتماعی اثر مستقیم می‌گذارد. بنابراین زمانی که کودکان در سبک دل‌بستگی ایمن باشند، احتمالاً دارای مهارت اجتماعی قوی هستند. دبیریان، محمودی و وطن خواه (۹) نشان دادند که مادرانی که دیدگاه معنوی دارند در زندگی خود به دنبال ارزش‌های فرامادی هستند و از نگرش مثبت و ذهنی باز و انعطاف‌پذیر برخوردارند. مادران دارای هوش معنوی بالاتر از سازگاری بهتر برخوردار بوده و انعطاف‌پذیری، تحمل سختی و شکست، امیدواری و انگیزه زندگی در آنها بالاتر است. کوان، کوان، پروت و پروت (۱۰) نشان دادند امنیت دل‌بستگی پدران و نمرات منفی والدگری مشکلات رفتاری ارزیابی مادران از درونی‌سازی و برون‌سازی مشکلات در کودکان را به شکل معناداری تبیین می‌کند. برای مادران، فقط بهبود در امنیت دل‌بستگی در کاهش تعارضات خانوادگی و والدگری مضطرب / خشن نقش داشت. این یافته‌ها از نیاز محققان دل‌بستگی برای در نظر گرفتن سهم والدین در رشد فرزندان‌شان پشتیبانی می‌کند. بلالوک، لیندو و رای (۱۱) نشان دادند که والدین فرزندان شرکت‌کننده در برنامه بازی‌درمانی کودک‌محور فردی و گروهی پیشرفت قابل‌توجه بیشتری در توانایی‌های کلی اجتماعی-هیجانی فرزندان خود نسبت به والدین فرزندان گروه کنترل گزارش دادند. هوبر، پلاتر، این الون، استادلمن و اشمیتز (۱۲) نشان دادند که طبق گزارش معلمان و والدین علائم برون‌سازی مشکلات به طور منفی با رفتارهای مثبت اجتماعی

خودآگاهی، آگاهی اجتماعی، خودمدیریتی، مدیریت رابطه و تصمیم‌گیری مسئولانه زو و جی (۱۸) که در دانشگاه سنگاپور جهت دانش‌آموزان دبیرستانی نرم‌گردیده است، برگرفته از یافته‌های مرکز همکاری یادگیری هیجانی اجتماعی آموزشگاهی است و دارای اعتبار بالای ۰/۷ گزارش شد. این پرسشنامه دارای توانایی شناسایی دانش‌آموزان با توانایی بالا و پایین توانمندی هیجانی اجتماعی است. نحوه نمره‌گذاری این پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۱ کاملاً مخالفم، ۲ تا حدی مخالفم، ۳ مخالفم، ۴ تا حدی موافقم، ۵ موافقم و ۶ کاملاً موافقم می‌باشد. این پرسشنامه برای اولین بار در ایران به کار گرفته شد. ابتدا متن اصلی ابتدا توسط محقق ترجمه گردید. سپس سه نفر از متخصصان برجسته روانشناسی و زبان انگلیسی روی ترجمه نهایی توافق کردند. در نهایت روایی صوری و محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفت. قبل از اجرای اصلی، پرسشنامه به گروه‌های مختلف دانش‌آموزی جهت تکمیل ارائه شد تا وضوح و شفافیت سوالات و قابلیت فهم دستورالعمل‌ها کنترل شود. پایایی این پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر با ۰/۸۷۳ گردید و نشان‌دهنده پایایی قابل قبول پرسشنامه است.

پرسشنامه فراهیجان: توسط میتمانسگروبر و همکاران (۱۹) تدوین شده است. دارای ۲۸ گویه است که آزمودنی در یک مقیاس لیکرت شش درجه‌ای بدان پاسخ می‌دهد. این پژوهشگران مقیاس را شامل شش مؤلفه خشم، شرم، کنترل خشونت و فرونشانی (فراهیجان‌های منفی) و شفقت و علاقه (فراهیجان‌های مثبت) گزارش نمودند. حداقل و حداکثر نمره حاصل براساس لیکرت پنج درجه‌ای برابر ۲۸ و ۱۴۰ می‌باشد. ضریب پایایی گزارش شده توسط سازندگان این پرسشنامه با استفاده ضریب آلفای کرونباخ برای بعد فراهیجان مثبت ۰/۹۱ و برای فراهیجان منفی ۰/۸۵ گزارش شده است. ضریب همبستگی این مقیاس با پرسشنامه شخصیت نئو، مقیاس عاطفه مثبت و منفی، پرسشنامه افسردگی بک و پرسشنامه فراشناخت معنادار به دست آمده است. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش الماسی (۲۰۱۷) ۰/۸۱ به دست آمده است. این پرسشنامه توسط رضایی، پارسایی، نجاتی، نیک‌آمال و هاشمی رزینی (۲۰) برای استفاده در فرهنگ ایرانی، ترجمه، روا و پایا گردیده است. آنها از ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی و از روش تحلیل عامل تأییدی و همبستگی مقیاس فراهیجان با هوش هیجانی برای بررسی روایی پرسشنامه استفاده کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد ضریب آلفای کرونباخ در خرده‌مقیاس فراهیجان مثبت ۰/۸۷ و در خرده مقیاس فراهیجان منفی ۰/۷ و برای کل مقیاس ۰/۸۹ می‌باشد. آنها نشان دادند خرده‌مقیاس‌های فراهیجان با خرده مقیاس‌های هوش هیجانی همبستگی دارد. رضایی و همکاران (۲۰) ضریب آلفای کرونباخ را در ایران آن را ۰/۷۸ گزارش نمودند و نتایج تحلیل عاملی ۲ بعد اصلی فراهیجان‌های مثبت و فراهیجان‌های منفی را تأیید نمود. این محققان روایی همزمان آن را با پرسشنامه هوش هیجانی بررسی نمودند و به‌ویژه همبستگی فراهیجان‌های مثبت با مولفه‌های هوش هیجانی همبستگی مطلوبی گزارش نمودند. پایایی این پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر با ۰/۹۱۵ گردید و نشان‌دهنده پایایی قابل قبول پرسشنامه می‌باشد.

می‌تواند در سطح اول پیشگیری از آسیب‌های روانشناختی و کزرفته‌های موجود در سنین کودکی مفید واقع شود. این آسیب‌ها از جمله؛ وابستگی‌های بیمارگون فرزندان به خانواده‌ها که حاصل رسیدگی غیرضروری است و رفتارهای متوقعانه کودکان که باعث احساس ناکامی در شرایط عادی جامعه است و عدم توانایی کودکان در مهارت‌های لازم اجتماعی از جمله، حل مسئله و همدلی و همچنین شکل‌گیری هیجانات ناپخته در کودکان است که باعث شکست در روابط آنان در بزرگسالی خواهد شد و اینکه؛ این همه به‌واسطه دستاوردهای ناکارآمد حاصل از خانواده‌ها به‌ویژه مادران است؛ از این رو، این پژوهش برای تدوین مدلی نظری برای توانمندسازی اجتماعی هیجانی کودکان و کاهش آسیب، در پی پاسخ به این سوال برآید؛ تاثیر فاکتورهای فراهیجان منفی مادران از طریق امنیت دلبستگی کودک بر توانمندی هیجانی اجتماعی کودک چه میزان است.

### مواد و روش‌ها

این پژوهش بر اساس طبقه‌بندی بر مبنای هدف در زمره تحقیقات همبستگی- نظری با روش پیش‌بینی است و از حیث روش جزء تحقیقات توصیفی- پیمایشی به شمار می‌آید. جامعه آماری مطالعه حاضر شامل دانش‌آموزان دختر (دوره دبستان) به علاوه والدین آنها در مدارس ابتدایی شهر تهران بوده‌اند که به صورت آنلاین اقدام به تکمیل پرسشنامه شده است. نمونه پژوهش براساس فرمول ۱ به ۲۰ کلان (۱۷) ۲۵۰ نفر است. از این جامعه، برپایه طرح پژوهش و براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و شیوه مشارکت به صورت داوطلبانه که از انواع روش‌های غیرتصادفی است گروه نمونه مورد مطالعه انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری هدفمند بوده است، بدین‌گونه که محقق با حضور در بین جامعه هدف، دانش‌آموزان دختر و مادران آنها که دارای شرایط پنجگانه ذیل در بخش ملاک‌های ورودی بوده‌اند، به عنوان نمونه مورد استفاده قرار گرفتند. سلامت جسمانی و روانی خود کودک و والدین او (عدم بستری شدن در بیمارستان و مصرف مداوم دارو به جهت بیماری‌هایی مانند بیماری قلبی و افسردگی)، ۲. جنسیت مونث برای کودک، ۳. محدوده سنی کودکان بین ۷ تا ۱۲ سال و محدوده سنی والدین بین ۳۵ تا ۵۰ سال (براساس پرسشنامه جمعیت‌شناسی محاسبه شده است)، ۴. زندگی کودک با هردو والد (براساس پرسشنامه جمعیت‌شناسی محاسبه شده است) و ۵. عدم وجود بیماری خاص در یکی از اعضای خانواده مانند خواهر و برادر (براساس پرسشنامه جمعیت‌شناسی و پرونده دانش‌آموزان در مدارس و حداقل سابقه ۲ سال پیش محاسبه شده است). ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه‌های استاندارد هستند که در ادامه معرفی می‌شوند.

پرسشنامه توانمندی‌های هیجانی اجتماعی: پرسشنامه توانمندی اجتماعی- هیجانی (SECQ)، پیمایشی است که به منظور ارزیابی چگونگی طراحی انجام شده است کودکان و نوجوانان (نمرات ۳ تا ۱۲) از خود و همچنین دیگران و چگونگی آنها آگاهی دارند به زمینه‌های خانواده، مدرسه و جامعه به صورت شخصی، اجتماعی و اخلاقی پاسخ دهید. این پرسشنامه ۲۵ سؤالی با ۵ مؤلفه

همان طور که مشاهده می‌شود، از مجموع ۲۵۰ نفر شرکت‌کننده در پژوهش حاضر تقریباً ۵۴٪ دختر و ۴۶٪ پسر بودند. حدود ۱۷٪ این کودکان ۹ ساله، ۲۷٪ آنان ۱۰ ساله، ۱۹٪ آنان ۱۱ ساله، ۲۰٪ آنان ۱۲ ساله و ۱۷٪ آنان ۱۳ ساله هستند. علاوه بر این، ۲۲٪ این والدین دارای تحصیلات دیپلم، ۳۸٪ دارای تحصیلات کارشناسی، ۲۹٪ دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۱۲٪ دارای تحصیلات دکتری بودند. لازم به ذکر است که والدین شرکت‌کننده در پژوهش حاضر دارای میانگین سنی ۳۷/۷۹ با انحراف استاندارد ۳/۱۵ بودند. در جدول ۲ میانگین، شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل نمره	حداکثر نمره
خشم	۱۵/۱۱	۳/۷۴	۸	۲۳
شرم	۱۸/۳۶	۳/۷۳	۶	۲۳
کنترل خشونت	۱۷/۴۳	۴/۹۱	۱۰	۲۸
فرونشانی	۸/۰۶	۱/۸۲	۴	۱۲
امنیت دلبستگی کودک	۴۲/۲۸	۷/۴۰	۳۰	۵۷
توانمندی هیجانی اجتماعی کودک	۱۰۳/۹۳	۱۸/۵۹	۶۰	۱۳۷

به منظور پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل مسیر استفاده شد. در این بخش ابتدا پیش‌فرض‌های مورد نیاز برای تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول ۳ مقدار فاصله ماه‌آلانوویی برای مطالعه حاضر گزارش شده است. در این جدول نگاهی به زیرستون ماکزیم نشان می‌دهد که مقدار حداکثری در فایل داده‌ها از دامنه مقدار بحرانی برای درجه آزادی ۵ (معادل تعداد متغیرهای پیش‌بین) خارج نشده و اطلاعات مربوط به هیچ کدام از شرکت‌کننده پرت‌های چند متغیری تشکیل نداده است.

جدول ۳. میزان فاصله ماه‌آلانوویی

متغیر پیش‌بین	مینیمم	ماکزیم	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
	۲/۲۱۵	۱۸/۳۲۷	۵/۴۱۹	۳/۱۰۱	۲۵۰

شاخص‌های کجی و کشیدگی متغیرها در جدول ۴ آمده است. همان گونه که دیده می‌شود، همه مقیاسها در پژوهش حاضر از کجی و کشیدگی کمتر از ۱۲۱ برخوردار هستند؛ این نشان از آن دارد که توزیع نمرات متغیرها نرمال است.

جدول ۴. کجی و کشیدگی برای متغیرهای پژوهش

پرسشنامه امنیت دلبستگی: پرسشنامه امنیت به منظور برآورد میزان دریافت امنیت کودک در روابط کودک-والد در اواسط دوره کودکی و اوایل بزرگسالی گسترش یافته است (۲۱). گزینه‌های پرسشنامه امنیت موارد زیر را دربرمی‌گیرند: الف) درجه سبک دلبستگی خاص کودک در دسترس و قابل پاسخدهی است. ب) تمایل کودک به تکیه کردن بر سبک دلبستگی در زمان استرس و ج) گزارش کودک از راحتی و علاقه‌اش در ارتباط برقرار کردن با پرسشنامه دلبستگی. این اندازه‌گیری از ۱۵ گزینه تشکیل شده است که برپایه سنجش ۴ نمره‌ای «برخی از کودکان... کودکان دیگر»، طبقه‌بندی شده است. در نمونه‌ای از دانش‌آموزان دوره راهنمایی، نمره‌های پرسشنامه دلبستگی نشان‌دهنده حدود کافی و ثبات درونی بودند. گزارش کودک از امنیت به «میزان خودپنداره»، «میزان دوست داشتن»، «میزان ارتباط با دوستان» و «گزارش مادر از پذیرش کودک»، بستگی داشت. نمره‌های دلبستگی به‌طور مشخص با رقابت‌های ورزشی یا معدل تحصیلی (GPA) (با فراهم کردن مدارکی دال بر اعتبار تحلیل تمیز)، همبستگی نداشتند. در نمونه‌ای از کودکان ۱۰-۱۲ ساله، همبستگی بین آزمون-بازآزمون در ۴ روز، نشان‌دهنده پایایی آزمون است. هر کدام از گزینه‌های پرسشنامه امنیت برطبق سنجش ۴ نمره‌ای نمره‌گذاری شده‌اند، بنابراین دانش‌آموزان برپایه ابعاد پیوسته دلبستگی نمره دریافت می‌کنند. پایایی این پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر با ۰/۷۸۱ گردید و نشان‌دهنده پایایی قابل‌قبول پرسشنامه است.

#### یافته‌ها

در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت شناختی گروه نمونه به تفکیک بر حسب جنسیت کودک، سن کودک، و تحصیلات والدین ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی

متغیر	n	%
جنسیت کودک		
دختر	۱۳۶	۵۴/۴
پسر	۱۱۴	۴۵/۶
سن کودک		
۹ سال	۴۳	۱۷/۲
۱۰ سال	۶۸	۲۷/۲
۱۱ سال	۴۸	۱۹/۲
۱۲ سال	۴۹	۱۹/۶
۱۳ سال	۴۲	۱۶/۸
تحصیلات والدین		
دیپلم	۵۴	۲۱/۶
کارشناسی	۹۴	۳۷/۶
کارشناسی ارشد	۷۲	۲۸/۸
دکتری	۳۰	۱۲
کل	۲۵۰	۱۰۰



جدول ۸. برآورد ضرایب اثر غیرمستقیم

برآوردها متغیرها	پارامتر استاندارد شده	خطای استاندارد برآورد	t
اثر غیرمستقیم خشم بر:			
توانمندی اجتماعی	هیجانی	۰/۰۷*	۰/۰۳
۲/۲۶			
اثر غیرمستقیم شرم بر:			
توانمندی اجتماعی	هیجانی	۰/۰۷*	۰/۰۳
۲/۱۳			
اثر غیرمستقیم کنترل خشونت بر:			
توانمندی اجتماعی	هیجانی	۰/۰۳	۰/۰۳
-۰/۹۵			
اثر غیرمستقیم فرونشانی بر:			
توانمندی اجتماعی	هیجانی	۰/۰۸*	۰/۰۳
-۲/۵۷			

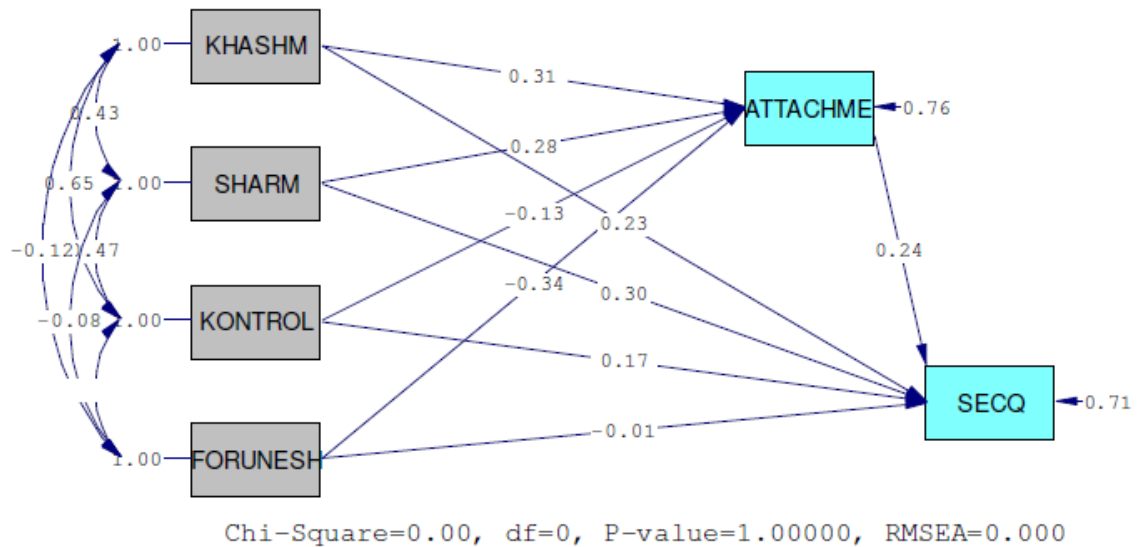
با توجه به اطلاعات جدول ۸، اثر غیرمستقیم خشم بر توانمندی هیجانی اجتماعی کودک برابر با ۰/۰۷ است که با توجه به (۲/۲۶)  $t=$  در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. علاوه بر این، اثر غیرمستقیم شرم بر توانمندی هیجانی اجتماعی کودک برابر با ۰/۰۷ است که با توجه به (۲/۱۳)  $t=$  در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. اما اثر غیرمستقیم کنترل خشونت بر توانمندی هیجانی اجتماعی کودک برابر با ۰/۰۳- بود که با توجه به (۰/۹۵)  $t=$  معنی دار نمی باشد. اثر غیرمستقیم فرونشانی بر توانمندی هیجانی اجتماعی کودک نیز برابر با ۰/۰۸- بود که با توجه به (۲/۵۷)  $t=$  در سطح ۰/۰۵ معنی دار است.

تمامی متغیرهای موجود در مدل (فراهیجان‌های منفی و امنیت دل‌بستگی کودک) توانستند ۲۹٪ از کل واریانس توانمندی هیجانی اجتماعی کودک را تبیین نمایند. بعلاوه، ۲۴٪ از واریانس امنیت دل‌بستگی کودک توسط فراهیجان‌های منفی تبیین می شود. با توجه به اینکه تمامی مسیرهای ممکن در مدل آمده است، مدل اصطلاحاً اشباع است و لذا شاخص‌های برازش آن کامل و مطلوب می باشد. در ادامه، مدل برازش شده توانمندی هیجانی اجتماعی همراه با پارامترهای برآورد شده (ضرایب استاندارد) و اعداد معناداری ( $t$ ) ارائه شده است.

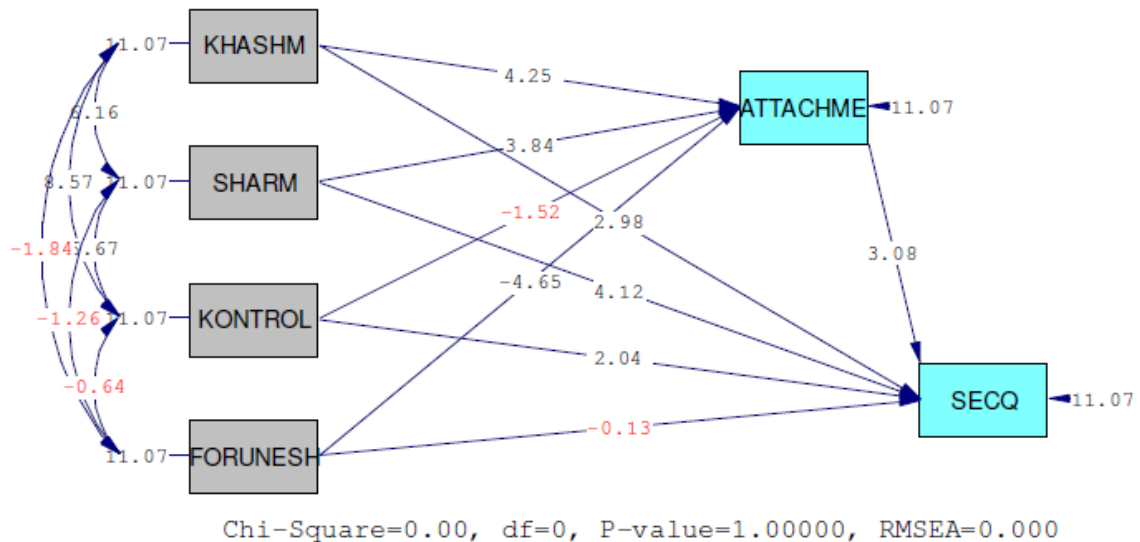
توانمندی هیجانی اجتماعی	۰/۳۰**	۰/۰۴	۴/۱۲
اثر مستقیم کنترل خشونت بر:			
امنیت دل‌بستگی	-۰/۱۳	۰/۰۳	-۱/۵۲
توانمندی هیجانی اجتماعی	۰/۱۷*	۰/۰۳	۲/۰۴
اثر مستقیم فرونشانی بر:			
امنیت دل‌بستگی	-۰/۳۴**	۰/۰۵	-۴/۶۵
توانمندی هیجانی اجتماعی	-۰/۰۱	۰/۰۲	-۰/۱۳
اثر مستقیم امنیت دل‌بستگی بر:			
توانمندی هیجانی اجتماعی	۰/۲۴**	۰/۰۴	۳/۰۸
* $P < ۰/۰۵$ ** $P < ۰/۰۱$			

با توجه به جدول ۷، اثر مستقیم خشم بر امنیت دل‌بستگی کودک برابر با ۰/۳۱ و با توجه به مقدار (۴/۲۵)  $t=$  در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. همچنین اثر مستقیم شرم بر امنیت دل‌بستگی کودک برابر با ۰/۲۸ و با توجه به مقدار (۳/۸۴)  $t=$  در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. با این وجود، اثر مستقیم کنترل خشونت بر امنیت دل‌بستگی کودک برابر با ۰/۱۳- به دست آمد که با توجه به مقدار (-۱/۵۲)  $t=$  معنی دار نبود. اثر مستقیم فرونشانی بر امنیت دل‌بستگی کودک نیز برابر با ۰/۳۴- بود که با توجه به مقدار (-۴/۶۵)  $t=$  در سطح ۰/۰۱ معنی دار محسوب می شود.

اثر مستقیم خشم بر توانمندی هیجانی اجتماعی کودک برابر با ۰/۲۳ و با توجه به مقدار (۲/۹۸)  $t=$  در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. همچنین اثر مستقیم شرم بر توانمندی هیجانی اجتماعی کودک برابر با ۰/۳۰ و با توجه به مقدار (۴/۱۲)  $t=$  در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. با این وجود، اثر مستقیم کنترل خشونت بر توانمندی هیجانی اجتماعی کودک برابر با ۰/۱۷ به دست آمد که با توجه به مقدار (۲/۰۴)  $t=$  در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. اثر مستقیم فرونشانی بر توانمندی هیجانی اجتماعی کودک نیز برابر با ۰/۰۱- بود که با توجه به مقدار (-۰/۱۳)  $t=$  معنی دار نبود. اثر مستقیم امنیت دل‌بستگی کودک بر توانمندی هیجانی اجتماعی کودک نیز برابر با ۰/۲۴ و با توجه به مقدار (۳/۰۸)  $t=$  در سطح ۰/۰۱ معنی دار به دست آمد. در ادامه جدول ۸ مربوط به اثرات غیرمستقیم ارائه شده است.



شکل ۱. مدل پیش بینی توانمندی هیجانی اجتماعی در حالت ضرایب استاندارد



شکل ۲. مدل پیش بینی توانمندی هیجانی اجتماعی در حالت اعداد معناداری (t)

شاخص‌های برازش مدل: در مدلیابی معادلات ساختاری هنگامی می‌توان به برآوردهای مدل اعتماد کرد که مدل دارای برازش کافی باشد. شاخص‌های برازش مدل پژوهش به صورت زیر می‌باشد:

جدول ۹. شاخص‌های برازش مدل نهایی

IFI	CFI	RMSEA	GFI	AGFI	X2/df ≤ 3	مقادیر
۰,۹۹	۱,۰۰۰	۰,۰۰۱	۱,۰۰۰	۰,۹۹	۰,۰۰۰	

اجتماعی است و مؤلفه کنترل خشونت بر توانمندی هیجانی اجتماعی و مؤلفه چهارم فرونشانی بر امنیت دل‌بستگی تأثیر معناداری داشته‌اند. با توجه به شدت تأثیرگذاری متغیرها مشاهده می‌شود قوی‌ترین رابطه مربوط به ارتباط بین فرونشانی بر امنیت دل‌بستگی با شدت ۰/۳۴ (در دسته‌بندی شدت تأثیرگذاری ضعیف) قرار داشته است. در رتبه دوم رابطه بین خشم و امنیت دل‌بستگی با شدت ۰/۳۱ (در دسته‌بندی شدت تأثیرگذاری ضعیف) قرار داشته است. بنابراین وقتی کودکان تغییر در رفتار مراقب (مادر) را تجربه کنند،

تمامی شاخص‌های برازش به کار رفته نشان می‌دهد که این مدل دارای برازش خوبی است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که مدل تحقیق توانایی بالایی در اندازه‌گیری متغیرهای اصلی تحقیق دارد. با توجه به استاندارد بودن مدل، یافته‌های لیزرل قابلیت اعتماد را دارد.

### نتیجه‌گیری

از بین چهار مؤلفه فراهیجان منفی مادرانه، دو مؤلفه خشم و شرم دارای تأثیر معناداری بر امنیت دل‌بستگی و بر توانمندی هیجانی

خانواده بروز کند. باتوجه به اینکه مؤلفه فرونشانی شامل شاخص‌هایی چون مقابله با هیجانات و درگیر نشدن در هیجانات می‌باشد، در تبیین نقش فراهیجان مادر در توانمندی هیجانی اجتماعی کودک، می‌توان از اهمیت گفتگوهای هیجان‌محور در رابطه والد-فرزندی سخن گفت. در این موقعیت‌ها، کودکان یاد می‌گیرند تا تجارب هیجانی اجتماعی خود را سازماندهی، تفسیر و ارزیابی کنند، همچنین در این گفتگوها، کودکان حس نوینی از خویشتر را شکل و توسعه می‌دهند و مهارت‌های تنظیم هیجانی اجتماعی را تقویت می‌کنند. با افزایش فراهیجان‌های منفی مادرانه چون شرم، کودکان احتمالاً توانمندی‌های هیجانی اجتماعی کمتری را تجربه خواهند کرد. هیجان‌ها و حالات خلقی با عملکردهای شناختی ارتباط دارند. بنابراین از آنجا که فراهیجان‌ها، هیجان‌ها ثانویه‌ای هستند که منتج از هیجان‌ها اولیه می‌باشند؛ به نظر می‌رسد که فراهیجان مثبت نیز همچون هیجان‌ها مثبت با عملکرد شناختی مرتبط است. بنابراین آموزش مادران برای غلبه بر فراهیجان‌های منفی ضروری است. از محدودیت‌های پژوهش حاضر محدودیت ذاتی پرسشنامه، که در مورد سایر پژوهش‌های مشابه نیز مطرح است و همچنین محدودیت زمانی و عدم امکان بررسی موضوع در جوامع بزرگتر و مقایسه نتایج با هم می‌باشد و از پیشنهادات پژوهش نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛ این تحقیق در مناطق مختلف تهران با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت مورد بررسی قرار داده شود و نتایج آن با یکدیگر مورد مقایسه قرار داده شود. همچنین این تحقیق در مقاطع مختلف تحصیلی صورت گرفته و نتایج آن مورد مقایسه قرار داده شود. همچنین این تحقیق می‌تواند به‌صورت مقایسه‌ای بین کودکان دارای ناهنجاری‌های رفتاری با کودکان سالم انجام شود.

## References

1. Abbas Tabarzroudi, M.; Hashemi rzini, Abdollahi, Mooh, The effectiveness of emotional competence training on anxiety, social problem solving and working memory in children, Quarterly Journal of Clinical Psychology Studies Allameh Tabatabai University, 2017, 29: 21-43
2. Laura, E. Burke, Developmental Psychology (From Fertilization to Childhood), Translated by Seyed Mohammadi, Yahya, Volume One, Arasbaran Publisher, Tehran, 2010.
3. Bowlby, J. Grief and mourning in infancy and early childhood psychology. *Psychoanalytic study of the child*, 1960, 15: 9-52.

احتمالاً امنیت دلبستگی آنها نیز تغییر می‌کند، از این طریق این کودکان از دلبستگی ایمن به نایمن یا برعکس تغییر می‌کنند. مادران دارای هیجانات منفی اکثراً کودکانی با دلبستگی نایمن پرورش می‌دهند. در تمام مواردی که دلبستگی کودک از نایمن به ایمن تغییر می‌کند، علائم و نشانه‌هایی از رفتار مادرانی وجود دارد که آرامتر و در رفتار با کودک با اطمینان بیشتر عمل می‌کنند. در رتبه سوم رابطه بین شرم و توانمندی هیجانی اجتماعی با شدت ۰/۳ (در دسته‌بندی شدت تأثیرگذاری ضعیف) قرار داشته است. مشاهده می‌شود در سه تأثیرگذاری قوی مؤلفه‌های فراهیجان مادرانه بیشتر بر متغیر امنیت دلبستگی قرار داشته است. بنابراین از نظر نمونه تحقیق متغیر امنیت دلبستگی نسبت به متغیر توانمندی هیجانی اجتماعی دارای اهمیت بالاتری می‌باشد. فراهیجان مادران قادر است تا به صورت متغیر میانجی، بر رابطه پرخطر بودن خانواده و تنظیم هیجانی کودکان به‌ویژه بی‌ثباتی هیجانی اثر بگذارد. نتایج حاصل با پژوهش‌های وبستر و همکاران (۳)، بهراد (۴)، و احمدپورتی و همکاران (۷)، قربانیان و همکاران (۸)، دبیریان و همکاران (۹)، کوان و همکاران (۱۰)، میلر و همکاران (۱۳)، الیس و همکاران (۱۵) و چن و همکاران (۱۶) همسو و همخوان نشان داده شده است. یکی از دلایل اصلی که سبب می‌شود کودکان با نیازهای ویژه محبوبیت نداشته باشند، این است که این کودکان مهارت‌های هیجانی- اجتماعی مناسبی که می‌تواند آنها را دوست‌داشتنی جلوه دهد، ندارند. انزوای اجتماعی در دوران کودکی ممکن است عواقب درازمدت و جدی بر بهداشت روانی فرد در بزرگسالی به‌جای بگذارد. بنابراین آموزش مادران برای غلبه بر این مشکلات ضروری است. با بهبود مؤلفه شرم، عملاً نوع رفتار و ارتباط مادر نسبت به کودک خود در جهت مثبت و سازنده پیش می‌رود و در نتیجه بهبود در توانمندسازی کودکان را در پی خواهد داشت که در نهایت بهبود در توانمندی هیجانی اجتماعی کودک در پی خواهد داشت. نتایج یافته‌های به‌دست آمده از نقش میانجی‌گری امنیت دلبستگی در رابطه بین چهار مؤلفه خشم، شرم، کنترل خشم و فرونشانی با متغیر توانمندی هیجانی اجتماعی قوی‌ترین رابطه را مؤلفه فرونشانی به صورت غیرمستقیم بر توانمندی هیجانی اجتماعی با شدت تأثیرگذاری ۰/۰۸ داشته است و ضعیف‌ترین رابطه را مؤلفه شرم با شدت تأثیرگذاری ۰/۰۷ به صورت غیرمستقیم بر توانمندی هیجانی اجتماعی دارا بوده است. دلبستگی را می‌توان مهمترین عامل روانشناختی برای رشد بعد روانی کودک دانست که در آن ایجاد ارتباط قوی و هیجانی معنادار با اطرافیان و مراقبانش تعریف شده است. بنابراین در مرحله اول باید والدین، خصوصاً مادران را نسبت به این مفهوم آگاه کرد و آسیب‌های احتمالی که از سوی مادران در ارتباط با کودکان ایجاد می‌شود را باید به آنها گوشزد کرد که این مهم با دعوت از خبرگان روانشناسی در مدارس و دعوت از والدین آنها برای آموزش و افزایش آگاهی آنها تحقق می‌یابد. البته نباید صرفاً مادران را در این فرایند درگیر کرد و پدران را در نظر گرفته نشوند که این خود آسیبی بر امنیت دلبستگی کودکان خواهد شد. بدون وجود امنیت دلبستگی، عملاً خانواده دچار آسیب‌های بلندمدتی می‌شود که حتی ممکن است بعد از چندین سال در محیط

11. Blalock, S. M, Lindo, N, Ray, D.C. Individual and Group ChildCentered Play Therapy: Impact on Social-Emotional Competencies. 2019, *Journal of Counseling & Development*, 97(3), 238-249
12. Huber, L., Plötner, M., In-Albon, T., Stadelmann, S., & Schmitz, J. The Perspective Matters: A Multi-informant Study on the Relationship Between Social-Emotional Competence and Preschoolers' Externalizing and Internalizing Symptoms. 2019, *Child Psychiatry & Human Development*, 50(6), 1021-1036.
13. Miller-Slough, R. L., Dunsmore, J. C., Zeman, J. L., Sanders, W. M., & Poon, J. A. Maternal and paternal reactions to child sadness predict children's psychosocial outcomes: A family-centered approach. *Social Development*, 2018, 27(3), 495-509.
14. Mory, G. E., & Hazen, A. A systematic review of the second step program. *Journal of School Psychology*, 71, 18-41. 2018.
15. Ellis, B. H., Alisic, E., Reiss, A., Dishion, T., & Fisher, P. A. Emotion regulation among preschoolers on a continuum of risk: The role of maternal emotion coaching. *Journal of Child and Family Studies*, 2013, 23, 965-974.
16. Chen, F. M., Lin, H. S., & Li, C. H. The role of emotion in parent-child relationships: Children's emotionality, maternal meta-emotion, and children's attachment security. *Journal of Child and Family Studies*, 2012, 21(3), 403-410.
17. Kline, R. B. Principles and practice of structural equation modeling (4<sup>th</sup> Ed.). Guilford Publications. 2016.
18. Zhou, M, Ee, J. Development and validation of social emotional competency questionnaire, *International Journal of Emotional Education*, 2012, 4(2), 27-42
19. Mitmansgruber, H, Beck, Th, Höfer, S., Schübler, G. When you don't like what you feel: Experiential avoidance, 4. Webster-Stratton, Carolyn. & Reid, M Jamila. Treating conduct problems and strengthening social and emotional competence in young children the Dina Dinosaur treatment program. *Journal of emotional and behavioral disorders*, 2003, 11(3), 130-143.
5. Katz, L. F., Maliken, A. C., & Stettler, N. M. Parental meta- emotion philosophy: A review of research and theoretical framework. *Child Development Perspectives*, 2012, 6(4), 417-422
6. Behrad, B, the Impact of Constructive Thinking Program (PATHS) on Social and Emotional Empowerment, Neurocognitive and Emotional Mediators, Outcome Disorders and Its Relationship with Children's Physical and Mental Health, *Journal of Health Psychology*, 7 (4) 2018.
7. Ahmad Portarki, Z, Hakim Javadi, M. Soltanishal, The effect of emotional-social empowerment training on aggression, problem solving, and optimism of students with low socioeconomic status, *Quarterly Journal of Child Mental Health*, 2018, 5 (2).
8. Qurbanyan, A, Mohammad Lou, H, Askarabad, M, Hassanabdi, F., Attachment style and social skills of children with the mediating role of emotional intelligence, *Journal of Research Center for Social Factors Affecting Health*, 2016. 3 (4): 278 – 288.
9. Dabirian, P; Mahmoudi, Gh. Watankhah, H, Comparison of spiritual intelligence and mental health of mothers with deaf, blind and normal children, *Quarterly Journal of Exceptional Education*, 3 (116), 2013.
10. Cowan, P. A, Cowan, C. P, Pruett, M. K., & Pruett, K. Fathers' and mothers' attachment styles, couple conflict, parenting quality, and children's behavior problems: An intervention test of mediation. *Attachment & human development*, 2019, 21(5), 532-550

mindfulness and meta-emotion in emotion regulation, *Personality and Individual Differences*, 2009, 46(4):448-453

20. Rezaei, N; Parsai, A; Najati, AS; Hashemi Erzini, S. Psychometric Properties of Students' Farahijan Scale, *Quarterly Journal of Psychological*, 2014, Research 6 (23), 111-124

21. Kerns, K. A, Klepac, L, Cole, A. (1996). Security Scale